

مردم ایران در راه سرنوینی رژیم موجود مبارزه میکنند!

دوره ششم

پانزدهم دی ۱۳۵۳

شماره صد و بیست و ششم

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

روزدهم آکتبر « قیس الزوای » وزیر خارجه سلطان قابوس در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام كرد كه نیروهای ایران مواضع خود را به ارتش عمان داده و بازگشت خود را از عمان آغاز کرده اند . مقارن همین احوال رادیو صلاله اعلام كرد كه نیروهای سلطنت اعم از هوایی ، زمینی و دریائی به يك حمله وسیع كه هدف آن تسلط بر تمام منطقه آزاد شده است دست زده اند . حوادث بعدی نشان داد كه هدف از آن

تلاش برای کاهش قیمت نفت با شكست مواجه شد

در لحظه کنونی تلاش امپریالیسم امریکا و همه دولی که حافظ منافع کارتل بین المللی نفت هستند متوجه نیل به کاهش بهای نفت و بازگردانیدن آنها به سطح غارتگرانه سابق است . برای نیل به این منظور امپریالیسم امریکا کشور های نفت خیز را به محرومیت از خرید و دریافت خواو بار « جلوگیری از فروش وسائل صنعت نفت به این کشورها و حتی دخالت مساحانه تهدید می نماید .

قبل از اجلاسیه اخیر اوپک محافل امپریالیستی به انجام بزرگترین مانور نظامی دریائی سنتو با شرکت ناوگان امریکا و انگلیس در حوزه خلیج فارس اقدام نمودند . ناوگان نظامی ایران در این مانور فعالتر از همه شرکت داشت . ناوگان نظامی امریکا علاوه بر شرکت در مانور سنتو از تنگه هرمز گذشته وارد خلیج فارس شدند که تهدید علنی کشور های نفتخیز این حوزه که همه آنان عضو اوپک هستند شمار می رود . معذالک در چنین شرایطی دول عضو اوپک از

اجلاسیه وزری ۱۳ کشور عضو اوپک - سازمان کشورهای صادر کننده نفت - روزهای ۲۱ و ۲۲ آذرماه در وین تشکیل گردید . وزری نفت و دارائی دول عضو اوپک در پایان اجلاسیه خود اعلام داشتند که ۲۸ سنت به قیمت هر بشکه نفت خام صادره از حوزه خلیج فارس افزوده اند . جمشید آموزگار نماینده ایران پس از پایان اجلاسیه اوپک به خبر نگاران گفت : « قیمت جدید همان قیمتی است که عربستان سعودی ، قطر و ابو ظبی در کنفرانس ابو ظبی در ۱۸ آبان ماه اعلام کرده اند .

قیمت هر بشکه نفت خام صادره از خلیج فارس با در نظر گرفتن افزایش بیسابقه تورم و قیمت کالاهای صنعتی در جهان سرمایه داری ، باید بمبلغ به مراتب بیشتری افزایش داده می شد . در جریان مصاحبه روزنامه نگاران امریکائی که بمناسبت سفر کیسینجر به ایران آمده بودند ، رسماً عنوان شد که « اجلاس آینده اوپک ممکن است بین سی تا چهل در صد به قیمت نفت خام صادره از این منطقه (خوانندگها شماره ۱۵ - ۱۶ ۱۸ تا ۱۸۱۲ آبانماه ۱۳۵۳ - صفحه ۳) لیکن در همان مصاحبه شاه اطمینان داد که : « قیمت اعلان شده نفت کاهش خواهد یافت ، (همانجا صفحه ۲)

اگر دیپلوماسی ، به نعل و به میخ ، دولت های وابسته به امپریالیسم در مسئله بهای نفت را در نظر بگیریم و هم چنین توجه داشته باشیم که امپریالیسم امریکا قبل از اجلاسیه اخیر اوپک به تهدید علنی وحشی کشورهای نفت خیز در حال رشد بمنظور کاهش بهای نفت مبادرت ورزید ، در انصورت خواهیم دید که تصمیم اجلاسیه اخیر اوپک پیروزی نسبی مهمی برای این سازمان به شمار می رود .

اجلاسیه وین سلیم تهدیداتی را در شانهاژ نظامی امپریالیسم نشان دادند . آنها نه فقط به کاهش قیمت نفت تن در ندادند ، بلکه چنانکه گفته شد میانی هم به قیمت نفت خام صادره افزودند . این تصمیم در مقایسه با امکاناتی که اوپک برای دفاع از منافع کشور های نفت خیز در اختیار دارد محطانه است . با این حال در پاسخ به تلاش و تحریرات امپریالیسم امریکا و متحدین آن برای پایین آوردن بهای نفت تصمیم اوپک تصمیمی است حائز اهمیت و پر معنی . پر معنی است زیرا نشان میدهد که تلاش امپریالیسم امریکا و دیگر حامیان کارتل بین المللی نفت برای جلوگیری از پیروزی ملل و دول کشورهای نفت خیز در مبارزه بخاطر استیقای کامل حقوق ملی در نفت ، محکوم به شکست است .

ما به تر اکتور و کمباین نیماز مندیم نه به تانک و جنگنده

زیر و زبر ابتدائی به کشاورزی مدرن انجام میشد رژیم انقلاب سفید ، در خواب ماند ، تا آنجا که تولیدات کشاورزی نه تنها بطور نسبی ، بلکه در اکثر رشته ها حتی بطور مطلق از سالهای قبل از انقلاب ، عقب ماند و کمبود مواد غذایی مانند گندم و گوشت و حبوبات و کره و پنیر و تخم مرغ و قند و شکر و گران سرام آور آن نارضایی شدیدی را در میان طبقات مختلف مردم بوجود آورد . اگر درآمد ۲۲ میلیارد لاری نفت در سال گذشته نبود ، تا دولت ارز بدهد و گندم و پنیر و گوشت و تخم مرغ وارد کند ، کشور دچار فحطی آشکار میشد . چنین وضع وخیمی در کشاورزی قاعدتاً باید هشدار باش باشد و تمام منابع مالی انسانی را برای بحرکت در آوردن چرخ رنگ خورده کشاورزی بسیج کند ، اما برای رژیم ضد ملی کنونی ، توجه به مطالبات واقعی مردم و تأمین رفاه عمومی مطرح نیست . ما به گفته خود گردانندگان رژیم استبداد مکتبیم ، تا روشن شود که بودجه کنونی تا چه حد بی اعتباری به نیازمندیهای واقعی کشور تنظیم شده است . منصور روحانی وزیر کشاورزی در شهریور امسال اعلام نمود که برای تهیه ۲۰۰ هزار تن کود کتورومکانیزاسیون

اخیراً لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۳۵۳ ولایحه بودجه سال ۱۳۵۴ از سوی هویدا به مجلس تسلیم شد . گردانندگان امور از مدتها پیش با توجه به درآمد ۲۲ میلیارد لاری نفت و خامت وضع کشاورزی و عدم سرمایه گذارهای هنگفت ، را در کشاورزی و دامپوری مردم داده بودند . اکنون وقتی سهم بخشهای مختلف بودجه را در نظر بگیریم ، میبینیم که بخش بزرگی از بودجه را هزینه های نظامی بلعیده اند و سرمایه گذاری در کشاورزی که مستقیماً با رفاه عمومی و وسط صنایع تویای ما پیوند دارد ، بهیچوجه متناسب با نیازمندیهای آن نیست . بموجب ارقام بودجه سهم بخش کشاورزی برای سال ۱۳۵۳ رقمی در حدود ۱۰۰ میلیارد تومان و برای سال ۱۳۵۴ مبلغ ۱۲ میلیارد تومان است . شاید این دو رقم در نظر اول چشمگیر جلوه کند ، ولی در قیاس با نیازمندیهای ۶۵۰۰ روستای فاقد همه چیز و نیز در مقایسه با هزینه های نظامی که ۲۸ درصد بودجه یعنی بالغ بر ۵۲۰۰ میلیارد تومان است ، اندک و حتی ناچیز است . تسلط ولانی رژیم ارباب - رعیتی بر کشور ، روستاهای ما و کشاورزی ما را در وضع بسیار عقب مانده نگذاشته است . در سالهای اخیر که مبیایست سرمایه گذارهای هنگفتی برای رفع این عقب ماندگی و تبدیل کشت

دنباله در صفحه ۲

آیا عمان به ویتنام جدیدی تبدیل میشود ؟!

مصاحبه و این اعلامیه پوشاندن حمله جدید و وسیع نیروهای ایران در عمان است . ارتش ایران که بدستور شاه برای نابودی « چند صد نفر بیسواد وحشی » در مدت کوتاهی اعزام شده بود در حمله بزرگ خود بخط سرخ تلفات سنگینی داد و نتوانست به « شورش ظفار ، پایان دهد . نتیجه آن قطعه ای ایجاد چند پایگاه بین صلاله و مسقط که دائماً در معرض حمله و دستبرد ارتش آزادبخش ظفار است ، محدود گردید . ارتش اعزامی بتدریج دربان که با چند « بیسواد وحشی » رو برو نیست بلکه با نیروی مقاومت خلقی روبروست که از زادگاه « استقلال و آزادی میهن ، خانه و خانواده اش دایره دفاع میکنند . ناکامی « حمله بزرگ ، که با نوساخته ترین سلاحهای هوایی ، دریائی و زمینی انجام گرفت ، روحیه ارتش ایران را تضعیف کرد . سربازان

شاه شکنجه گر ، شکنجه را انکار میکند

اخیراً خبر ننگر رادیو بی بی سی باشاه مصاحبه ای کرده که در روزنامه های ایران انتشار یافته است . این مصاحبه و توضیحات شاه در مورد استبداد فریادش شیوه « کشورداری اش » رو باها و مکاشفه های فی الواقع سند گویائی است بر وجود يك منز بیمار و خودسند و خرافه پرست که با یوه گرونی هایش هر چند نگاه خوانندگان خارجی را از ته دل میخنداند . اما آنچه از این مصاحبه اکنون مورد گفتگوی ماست ، پاسخ شاه به سؤال خبر ننگر بی بی سی در مورد وجود شکنجه در ایران است .

کفرانس نمایندگان جنبشهای ملی صلح سیاست توسعه طلبانه و تجاوز نظامی ایران را علیه عراق محکوم کرد از روز ۶ تا ۹ دسامبر ۱۹۷۴ کفرانس نمایندگان جنبشهای ملی صلح ۱۰۰ کشور جهان در پراگ تشکیل شد کفرانس حادترین مسائل روز را مورد تحلیل قرار داد و جمله در باره خلیج فارس قطعنامه ذیل را صادر نمود : « منطقه خلیج فارس که دارای بزرگترین ذخائر نفتی جهان ، یکی از بزرگترین مناطق صادر کننده نفت و دارای موقعیت استراتژیکی مهمی است ، هدف دائمی استراتژی امپریالیسم است . این منطقه در جریان سالهای اخیر شاهد فعالیت شدیدی از جانب امپریالیسم و ارتجاع میباشد . توسعه مسلح کردن رژیمهای ارتجاعی ، ایجاد و توسعه پایگاههای نظامی ، فعال کردن پیمان نظامی سنتو و کوشش برای ایجاد یک میان جدید ارتجاعی ، بهترین گواه این فعالیت است . هدف نقشه تهاجمی تازه امپریالیسم ، فشار بر جنبشهای ملی در منطقه ویژه در عمان ، حفظ منافع نفتی امپریالیستها و ساطق کردن رژیمهای مترقی عراق و جمهوری دموکراتیک یمن است . شرکت کنندگان در کفرانس نمایندگان جنبشهای ملی صلح : همیسگی خود را با خالقهای این منطقه که علیه استعمار و نو استعمار و برای استقلال سیاسی و اقتصادی و دموکراسی مبارزه میکنند ابراز میدارند ؛ سیاست توسعه طلبانه در منطقه خلیج فارس و تجاوز نظامی ایران را علیه عراق بشدت محکوم میکنند ؛ خواستار آزادی زندانیان سیاسی در بحرین ، در ایران ، در عربستان سعودی و عمان هستند و موج جدید بازداشتها را در عمان محکوم میکنند ؛ از کفرانس بین المللی همبستگی با خاق های یمن دموکراتیک و خلیج فارس که در ماه ژانویه ۱۹۷۵ زیر سرپرستی شورای شورای صلح در عدن تشکیل خواهد شد ، پشتیبانی می نمایند .

کارگران ایران خواستار

تکمیل واجرای قانون بیمه های اجتماعی هستند . تعداد افرادی که در بخشهای صنعتی و خدمات به کارمندی جلب شده اند بر روییم شامل بیش از چهار میلیون نفر میشود . اگر تعداد افرادی را که در کشاورزی به کارمندی اشتغال دارند به این عده بیافزاییم جمع شاغلان کارمندی به پنج میلیون نفر و حتی بیش از آن بالغ میگردد . این پنج میلیون نفر همه در وضعی قرار دارند که باید قوانین کار و بیمه های اجتماعی شامل حال آنان گردد . با این همه طبق آمار دولتی تعداد بیمه شدگان در سراسر کشور ۱۱۲۵ هزار نفر است . (اطلاعات ۳ خرداد ۱۳۵۳) . کلیه کارگران کشاورزی ، قریب یکمیلیون نفر کارگران ساختمانی ، چند صد هزار نفر کارگر حمل و نقل و مؤسسات بازرگانی و بخش مهمی از کارگران صنعتی ، ویژه در کارگاههای کار دستی و بسیاری دیگر ، از کارگران تا همین امروز از شمول قانون بیمه های اجتماعی برکنار نگاه داشته شده اند . بدیسات در صورتیکه آمار دولتی صحیح باشد در حال حاضر قانون بیمه های اجتماعی تنها شامل ۲۰ درصد کارگران کشور میشود . هشتاد درصد کارگران ایران از بیمه های اجتماعی کمترین بهره ای ندارند . دنباله در صفحه ۲

دفاع از زندانیان سیاسی و وظیفه هر میهن پرستی است

دنباله از صفحه ۱

کارگران ایران خواستار ...

این در کشوری است که زمامداران آن مدعی ایجاد بهشت کارگری هستند. اما نقض بی‌مه‌های اجتماعی در ایران تنها در آن نیست که قانون موجود شامل همه کارگران و حتی نیمی از آنان نمی‌شود. قانون فعلی بیمه‌های اجتماعی بیست سال پیش و در دوران مبارزات ملی شدن نفت تصویب گردید که برای آن موقع بی‌روزی مهمی برای کارگران بود. ولی طی بیست سال گذشته متغایر با تغییرات اجتماعی - اقتصادی قانون بیمه های اجتماعی کارگران نه تنها بهبود نیافته بلکه به برکت رژیم کودتا بارها بزیل کارگران بدان دستبرد زده شده است.

قانون موجود بیمه های اجتماعی بهیچوجه با خواسته های کارگران ایران انطباق ندارد و همه کارگران ایران تا همین امروز از بیمه بیکاری بهره‌ای ندارند. معنود بیمه شدگان از مزایای یکسانی برخوردار نیستند. قید و شرطهای مختلف باعث میشود که حقوق کارگران در استفاده از مزایای بیمه پایمال گردد. قانون بیمه‌های اجتماعی از نظر اجرا ضمانت کافی ندارد و به کارفرمایان امکان میدهد از اجرای قانون شانه خالی کنند و تزویر در امور بیمه، حقوق قانونی کارگران را تضییع نمایند.

با تمام آنچه گفته شد ناسامانی بیمه‌های اجتماعی کارگران ایران تنها ناشی از عدم جامعیت و ناقصیت بیشتر قانون موجود نیست. موضوع در این است که همین قانون ناقص بیمه موجود نیز بدرستی اجرا نمی‌شود. با اینکه کارگران همه ساله میلیاردها ریال بابت حق بیمه می‌پردازند، معادل کمترین حق در نظارت بر اجرای بیمه و فعالیت سازمان بیمه‌های اجتماعی ندارند. بودجه عظیم سازمان چنانکه بدفعات انشاء شده بوسیله نور چشمی دربار که به سازمان بیمه های اجتماعی کارگران تحویل میشوند حیف و میل میگردد. صندوق بیمه‌های اجتماعی کارگران یکی از مطل‌های دزدی آشکار و سوء استفاده های کلان درباریان و مقامهای دولتی، مجمله سردمداران حزب دولتی «ایران نوین» است. در نتیجه این وضع کارگران خود از امکانات دریافت کمک بهداشتی و درمانی و حقوق و مستحقات قانونی محروم نگاه داشته میشوند و در بهترین حالت تقاضای چند تریس اسپرین و یا کمک بسیار نا چیز نقدی در ازاء از دست دادن اعضا و قدرت کار است.

بیمه های اجتماعی کارگران بدینصورت که فقر کلبی بجهت آن شد بحق باعث عدم رضایت و اعتراض شدید همه کارگران اعم از بیمه‌شده و کارگرانی است که از بیمه بر خوردار نیستند. در بین کارگران چه در بخشهای صنعتی و خدمات و چه حتی در میان کارگران کشاورزی انتقاد از وضع ناسامان بیمه‌های اجتماعی روز بروز دامنه وسیعتری بخود میگردد. مبارزه برای اصدار ساختن دوات به تجدید نظر در قانون بیمه‌های اجتماعی و اجرای واقعی آن اشکال حادثی کسب مینماید.

کارگران ایران میخواهند قانون بیمه‌های اجتماعی عومیت پیدا کند و شامل همه افرادی گردد که به کارمندی اشتغال دارند. محدودیتهایی که بانث شده میبوینها کارگر در کارگاههای کار دستی و یا در خدمات و کشاورزی از شمول قانون بیمه‌های اجتماعی برکنارنمانند باید از بین برداشته شود. کارگران میخواهند گذشته از احیاء کلیه دست آوردهای آنان در زمینه بیمه های اجتماعی که در سالهای تسلط رژیم اختناق پلینس از بیت برده شده، قانون بیمه‌های اجتماعی هم چنین از راه شناسایی بیمه بیکاری و حق استفاده کلیه کارگران و عائله آنها از بیمه کامل بهداشتی و درمانی، بازنشستگی و از کار افتادگی فوت، در نظر گرفتن مقررات خاص برای بیمه زنان و اطفال و تأمین دیگر خواسته های کارگران تکمیل گردد.

بالاخره خواست کارگران در امر بیمه‌های اجتماعی اجرای سریع و بدون قید و شرط قانون بیمه های اجتماعی تحت نظارت مؤثر خود کارگران و سازمانهای مستقل آزاد صنفی آنان است طبیعی است که منظور آنها از

امروز نوبت هایلانسی

فردا نوبت محمد رضا شاه

شورای نظامی که از مدتی پیش زمام امور حبشه را در دست دارد، سرانجام هایلانسی را مجبور کرد تا ۴۰ میلیارد دلار ثروت خود را که در نتیجه غارت و دزدی از اموال عمومی اندوخته بود به ملت مسترد دارد. اگر در کشور قیبری چون حبشه، هایلانسی توانسته است ۴۰ میلیارد دلار از کیسه مردم فقیر و گرسنه را به حساب شخصی خودسرازیر کند، در کشور زرخیز ما ایران، خاندان غارتگر پهلوی و در رأس آنان شاه چند میلیارد دلار از راه تسلیم کشور به امریالیستها، حراج منابع نفت، تشکیل بانکها، شرکتهای بنیادها و جمعیت‌های بظاهر خیریه بجهت زده است؟ مسلماً غارت شاه و خاندانش چندین برابر پادشاه حبشه است. اما همچنانکه پهلوی دزدی از گلولی هایلانسی پلین ثروت شاه و خاندانش نیز، مشکل نتواند ثروتهای غارتی را بیاورد.

دنباله از صفحه ۱

ما به تراکتور و کمباین نیازمندیم کامل کشاورزی در ۱۰ سال آینده ۳۰ میلیارد دلار (در حدود ۲۱۰ میلیارد تومان) خرج خواهد شد. یعنی هر سال باید ۲۱ میلیارد تومان فقط برای مکانیزه کردن کشاورزی سرمایه گذاری شود - در حالیکه کل بودجه کشاورزی سر سال ۱۳۳۳ مبلغ ۱۰ میلیارد تومان و در سال آینده ۱۲ میلیارد تومان است، که در واقع در این دو سال مبلغ ۲۰ میلیارد تومان حتی کمتر از نیازمندیهای مکانیزاسیون کشاورزی است تا چه رسد به دهها عرصه دیگر که هر یک به اعتبارات هنگفت نیازمندند. مثال دیگر میزنیم: همین آقای وزیر کشاورزی در اسفند ماه سال گذشته اعلام کرد که در ۹ سال آینده با توجه بازرزاد جمعیت باید ۱۷ میلیارد دلار (۱۱۹ میلیارد تومان) در کار کشاورزی سرمایه گذاری کنیم و در حدود ۷ تا ۸ میلیارد دلار (۴۹ تا ۵۶ میلیارد تومان) هم برای صنایع وابسته به کشاورزی اختصاص دهیم، و گرنه تولید مواد کشاورزی ما افزایش نخواهد یافت و ناچار خواهیم شد برای تأمین مواد غذایی شرایط تحمیلی کشاورزی خارجی را بپذیریم. (کسیان - ۲۳ اسفند ۱۳۵۲)

حتی بگفته وزیر کشاورزی رژیم، باید برای افزایش تولیدات کشاورزی در ۹ سال آینده مجموعاً ۱۷۵ میلیارد تومان و سالانه در حدود ۲۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری شود، در حالیکه رقم بودجه کشاورزی در این دو سال از این مبلغ نیز ۱۸ میلیارد تومان کمتر است و بروشنی پیداست که با این ترتیب کشاورزی کشور در سالهای آینده هم قادر به تأمین نیازمندیهای داخلی نخواهد بود. اما نیازمندی کشاورزی ایران منحصر

هنگامی عملی میشود که کارگران از فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه‌ای برخوردار باشند. بهمین جهت تصادفی نیست که کارگران ایران ضمن طرح خواسته های قانونی خود در زمینه بهبود شرایط کار و بیمه، در عین حال برای تشکیل صنفی و تشکیل سندیکاهای اتحادیه‌ای هلی مستقل کارگری و از میان برداشتن هر نوع دخالت پلیسی و احزاب دولتی در کار این سازمانها مبارزه میکنند.

مبارزه برای تحقق بیمه های اجتماعی به معنی واقعی و وسیع کلمه از جنبه های مهم مبارزات صنفی کارگران ایران در شرایط کنونی است. این مبارزه از پیشینیانی همه مردم ایران، بویژه از حمایت حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر کشور، ما برخوردار است م کارگر

دنباله از صفحه ۱

شاه شکنجه گر ...

سیاسی بایرات رفته‌اند وجود شکنجه بارها تأیید کرده اند. در همین دادگاه گروه گسرخ - دانشیان، خبر نگاران خارجی بچشم دیدند که خسرو گسرخ برای اثبات وجود شکنجه لباس خود را از تن خارج نمود و در همین هنگام ناگهان بخش فیم دادگاه در تابلویون قطع شد. بنا بر این سؤال مکرر خبر نگاران خارجی از شاه در مورد شکنجه باهدف کسب اطلاع نیست، زیرا افکار عمومی جهان درباره جنایات ساواک کاملاً روشن است. هدف خبر نگاران خارجی آنست که ببینند این جلاد مدرن، این شکنجه گر قرن بیستم چگونه این روش غیر انسانی را توجیه میکند. اما شاه که جرأت توجیه ندارد، از ترس افکار عمومی جرم خود را پنهان میکند. شاه و جلادان او زمانی که میشدند تا از زبان برخی از متردان و تسلیم شدگان، ماورای سازمان امنیت را فرشتگان عطفوت و رأفت معرفی کنند، ولی این بازی مسخه نیز کسی را نفربند در باره وحشیگریهای آدمکشان و شکنجه گران ساواک که خشونت و درندگی را از کارشناسان امریکائی و اسرائیلی آموخته‌اند احدی دچار تردید نیست. همه میدانند که تا کنون دهها مبارز مقاوم زیر شکنجه‌های بربر منشته جان سپرده اند. از آنچه‌اند قربانان شهید هوشنگ تیزابی و پرویز حکمت‌جو، در همین ماه‌های اخیر ماورای ساواک درجه رذالت و وحشیگری را بجائی رسانده اند که دکتر سیمین صالحی زنی را که کودکی هفت ماهه در شکم داشته با شکنجه به قتل رسانیده اند. همه مبارزان دلیری که در سالهای اخیر بدستور شاه تیرباران شدند زخم شکنجه بر بدن داشته اند، هزاران هزار مبارزی که در زندانهای تهران و شهرستانها اسیرند، روزهای دردناک شکنجه را پشت سر گذارده و یا هم اکنون زیر شکنجه هستند. در حال حاضر عده ای از روشنگران و نویسندگان مترقی و مبارز وسیله سازمان امنیت بازداشت و تحت فشار قرار گرفته‌اند که دکتر غلامحسین سامعی، نویسنده مترقی و نامدار ایران نیز در میان آنهاست. جلادان شاه از چندی پیش او را شکنجه میدهند، تا او را به توبه وادارند. ولی پایداری او مشت محکم برده‌ها جلاد است.

بافزایش تولیدات کشاورزی نیست. در کنار این امر بسیار مهم باید برای میلیونها دهقان زحمتکش که با عرق جبین میکارند و میروند، زندگی در خورد انسان فراهم آورد. برای آنها راه ساخت، آب آشامیدنی و برق و حمام و مدرسه و بیمارستان و پزشک و پرستار و قباله و دارو تهیه نمود. باید روستاهای محروم و خانه‌های زانم مانند را که روستا نشین زحمتکش با مرغ و خروس و گاو و گوسفندش یکجا در آن بسر میبرد، بهسازی کرد و خانه‌های بهداشتی دارای نور و هوا و آفتاب برای دهقانان ساخت و اینهمه نیازمند سرمایه گذاریهای هنگفت است. در سفر تبلیغاتی فرج به حاشیه کویر، فقر و بدبختی و مسکنت روستائیان چنان فوق العاده بود که با وجود سانسور شدید از قام برخی از خبرنگاران جراید میخوانیم که: «در برخی از مناطق کشور مانند روستاهای گویری باید گردش فوق العاده‌ای مبول شود» و یا «امروز برای روستائیان ما معلم و مدرسه از هر چیز ضروری تر است» ولی کجاست گوش شنوا؟ شش ماه سرگرم خرید اسلحه است. او فقط طی ۱۲ ماه ۱ میلیارد دلار یعنی در حدود ۴۹ میلیارد تومان سفارش اسلحه داده‌است که بیش از ۴ برابر بودجه کشاورزی است که با زندگی ۲۳ میلیون جمعیت کشور بستگی دارد. او فقط برای خرید ۳۰ فرزند جنگنده اف ۱۴ مبلغ ۹۰ میلیون دلار (۳۰ میلیارد تومان) یعنی بیش از نیمی از کل بودجه کشاورزی در سال آینده پول پرداخته است. آیا کشور ما به انبار اسلحه نیاز دارد یا به سرمایه گذاری در کشاورزی و صنعت و بهبود زندگی مردم؟ رژیم که آشکارا در جهت عکس نیازمندیها و مطالبات واقعی زحمتکشان حرکت میکند، روشن است که پایانی جز سقوط و ادبار ندارد.

شاه با جمله «تصور نمیکند این امر حقیقت

داشته باشد» می‌خواهد در عین انکار شکنجه خود را از اقدامات ساواک بی اطلاع نشان دهد، در حالیکه همه میدانند که سازمان امنیت زیر نظر مستقیم شاه اداره میشود و بویژه در مورد متهمان ویا گروه‌هایی که شاه فعالیت شان را برای سلطنت خود خطرناکتر میدانند، سپهبد نصیری رئیس سازمان امنیت، جریان شکنجه ها، مقاومت‌ها و اقرار گرفتن ها را حتی ساعت بساعت بشاه گزارش میدهد. فرج یکبار اعتراف کرد که او وشاه تا ساعت سه بعد از نیمه شب بیدار مانده‌اند، تا یکی از متهمان حائنه کاخ مرمر (سال ۱۳۴۴) را برای «اقرار» نزد شاه آورده‌اند. اگر شکنجه گران مستقیماً زیر نظر شاه عمل نمیکردند، ضرورتی داشت که تمامی را ساعت سه بعد از نیمه شب برای «اقرار» بدربار آورند؟

حوادث پرتقال باید برای آدمکشان و شکنجه گران ساواک درس عبرت باشد. اعضا و پیده، (سازمان امنیت پرتقال) که سالها میهن پرستان را شکنجه کردند، اکنون در پشت میله‌های زندان در انتظار کیفر جنایات خود هستند. همکاران ایرانی آنها نخواهند بفرمای خود بیاندیشند؟

دنباله از صفحه ۱

آیا عمان به ویتنام جدیدی تبدیل میشود؟!

از دست داده ایم؟ یکی از افسران ارشد که از عمان باز گشته هنگام نمایش فیلمی از جنگ ظفار در یکی از ایستگاههای تهران ضمن توضیحاتی که در باره فیلم میداد گفت که «همه چیز برای مابینگانه است چه زمین و چه انسانها» افسر دیگری که او هم در عمان بوده میگفت «مهمترین مشکل ما در ظفار اینست که بار تیزانها از شتر برای حمل اسلحه استفاده میکنند. غالباً اتفاق می‌افتد که مرکز اطلاعاتی ما خبر میدهد که قافله‌های شتر در حال عبور هستند» هلیکوپترها به پرواز در می‌آیند و چیزی نمی‌یابند، یکی از افسران پرسید: «آیا ظفار به ویتنام دومی تبدیل میشود؟ او گفت «جنگ تا کنون پایان نیافته و چه بسا همینطور شود»!

تعداد کشته‌ها نیز روز افزون است سازمان امنیت بخانواده‌های مقتولین دستور داده که علت واقعی مرگ فرزندان را پنهان کنند. از جمله کشته شدگان افسری بنام محمد رضا زوبی است که خانواده او را مجبور کرده‌اند بگویند او بسکته قلابی مرده‌است! ساواک از افشای اخبار جنگ بشدت جاوگیری میکند. سکوت فریب دامن و دروغوئی یکی از اصول سیاست رژیم ایران است. با چنین سیاستی هزاران نفر سرباز و صدها افسر را به قربانگاه جنگ تجاوز کارانه عمان اعزام کرده‌اند ولی اینک برده‌ها یکی پس از دیگری پاره میشود و واکنش آن در ارتش اعزامی سقوط روحیه و در بعضی از موارد تمرد از اجرای دستور است. برای جبران این ضعف و ننگ و ناکامی است که شاه کوشش میکند با اعزام نیروهای تازه نفس و تجهیزات فراوان. مرز شرقی ظفار را با جمهوری دموکراتیک یمن تصرف و ارتباط ظفار را با یمن دموکراتیک قطع نماید و از راه محاصره طولانی و بمبارانهای بیرحمانه دائمی مردم و دامها، جنبش خلقی را در عمان سرکوب کند و جمهوری دموکراتیک یمن را نیز تهدید نماید. جنبش ظفار در برابر سه نیروی مجبور ایران، انگلیس و قلموس قرار گرفته و فرماندهان از خود دفاع میکنند. نه کشتی جنگی دارد، نه هواپیما، نه توپخانه سنگین و نه تانک و زره پوش اما از لحاظ روحیه بازرشهای مهاجم قابل مقایسه نیست. برتری این خلق مظلوم در روحیه عالی و هدف مشروع و انسانی اوست که تجاوزگران فاقد آن هستند، باید به این خلق نه تنها کمک اخلاقی بلکه بهر شکل ممکن کمک مادی کرد، تا بتواند تجاوزگران ایرانی، انگلیسی و ارتجاع پایید محلی را مهار کند.